

# سفر به قلب زاگرس

گزارش گروه کوهنوردی زاگرس از صعود به زردکوه (مهدی فضلعلی)

می‌آورد و در آنجا پس از انباشته شدن در پشت یک سد به داخل آبگیر یک نیروگاه برق آبی هدایت می‌کند و پس از خروج از نیروگاه به سمت زاینده‌رود می‌رود. برای رسیدن به این محل باید از یک سه راهی واقع در جاده چلگرد به فارسان (در دو کیلومتری چلگرد، مرکز شهرستان کوهرنگ از استان چهارمحال و بختیاری) از راهی که به جاده ماربره یا جاده نیروگاه تونل دوم معروف است به سمت کول خدنگ برویم. طول این راه ۱۱/۵ کیلومتر است و کمتر از دو کیلومتر اول آن آسفالت است و بقیه راه خاکی و کوهستانی ولی نسبتاً صاف است و با هر نوع وسیله نقلیه موتوری می‌شود آن را طی کرد. هدف رسیدن به قله کلونچین مرتفع‌ترین قله زردکوه بود و مسیر صعود «کول خدنگ». ساعت پنج و سی دقیقه صبح چهارشنبه ۲۶ تیرماه از اهواز حرکت کردیم. تصور ما این بود که ساعت پنج عصر به پای کوه می‌رسیم و با توجه به مهتاب شب چهارده صعود را شروع می‌کنیم و شب را در کوه می‌خوابیم و پنجشنبه صعود را تمام می‌کنیم اما تأخیر و کندی حرکت خودرو باعث شد که ساعت هشت و نزدیک غروب به ابتدای مسیر برسیم و در نتیجه مجبور به اقامت شبانه در همانجا شدیم. ارتفاع این محل ۲۳۸۰ متر بود. ساعت چهار صبح پنجشنبه صعود را از مسیر کول خدنگ آغاز کردیم. کول به معنای دره کم عرض و یا شکافی است که در کوه وجود دارد. این مسیر از ابتدا تا قله از داخل این کول می‌گذرد و به همین دلیل

با وجود آنکه نام گروه خود را «زاگرس» گذاشته‌ایم تا به حال به زردکوه، این چشم و چراغ زاگرس میانی نرفته بودیم. با استفاده از تعطیلات ۲۶ تا ۲۸ تیرماه امسال تصمیم گرفتیم به این آرزوی دیرینه جامه عمل بپوشانیم ولی چه می‌شود کرد که: «عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها». چون همه دوستان چهارمحالی که من می‌شناختم در این تعطیلات برای خود برنامه‌ای چیده بودند و نتوانستند ما را همراهی کنند و از اهواز هم کسی که تجربه این صعود را داشته باشد همراه ما نبود. در نتیجه با ده‌ها بار تماس تلفنی با دوستان چهارمحالی خود توانستیم از اهواز مستقیماً به پای کار برویم که جا دارد از راهنمایی‌های آنان تشکر کنم. برای انجام بهتر کار یک مینی‌بوس کولردار از اهواز دربست گرفتیم که از قضای کار باعث اختلال در کار ما شد زیرا راننده آن، دو خصوصیت بارز داشت: اول اینکه فقط در روز رانندگی می‌کرد و دوم اینکه با سرعت بیشتر از ۶۰ کیلومتر در ساعت نمی‌رانند!! همین کافی بود تا دو روز از سه روز فرصت ما به هدر رود. عملاً برنامه صعود به قله منتفی شده بود چون گروهی ندیده بودم که یک روزه و از یک صبح تا شب این کار را انجام داده باشند. اما بچه‌های گروه مصمم بودند تلاش خود را بکنند و در نتیجه ساعت چهار صبح پنجشنبه ۲۷ تیر صعود را شروع کردند. البته از پیش توافق کرده بودیم که رأس ساعت یک بعد از ظهر چه به قله رسیده باشند چه نرسیده باشند به پایین برگردند. نتیجه این شد که پس از ۱۳۰۰ متر صعود از مسیر سختی که در بعضی جاها انباشته از یخ بود و تماماً از تنگه‌ای با نام محلی «کول خدنگ» و نام مصطلح «تنگ کلونچین» می‌گذشت و پس از رسیدن به ارتفاع ۳۶۸۰ متری گروه به پایین بازگشت و افسوس ما وقتی بیشتر شد که نقشه مسیر را روی تصویر کوه منطبق کردیم و دیدیم که شیب تند میسر در آنجا تمام شده بود و اگر فقط دو ساعت زمان بیشتر در اختیار داشتیم قله را نیز فتح کرده بودیم. کول خدنگ در بالای خروجی تونل دوم انتقال آب سرشاخه‌های کارون به زاینده‌رود قرار دارد. بد نیست که گفته شود این تونل آب از محلی به نام «ماربره Marboreh» تا پایین کول خدنگ



در طول صعود از دیدن قله که باعث ایجاد انگیزه و بالا بردن روحیه می‌شود محروم بودیم، اما در عوض از دیدن صخره‌ها و یخچال‌های زیبا در مسیر لذت بردیم. ساعت ۶:۴۰ برای صرف صبحانه و تجدید قوا نیم‌ساعت توقف داشتیم. در ادامه مسیر درگیری با صخره‌ها و یخچال‌ها و وجود چند چشمه کوچک با آب‌های گوارا زیبایی خاصی را به حرکت می‌بخشید. ساعت ۱۱ به ارتفاع ۳۵۵۰ متری رسیدیم. ویژگی این محل که معمولاً برای کمپینگ شبانه از آن استفاده می‌کنند وجود یک چشمه پرآب است. در اینجا با گروه فراز تهران روبرو شدیم که شب پیش را در آنجا اقامت کرده بودند. اگر ما هم به موقع رسیده بودیم بایستی شب را در همین‌جا اقامت می‌کردیم و با دیدن آن‌ها افسوس ما بیشتر شد. پس از استراحتی کوتاه در این محل به صعود ادامه دادیم و تا ارتفاع ۳۸۵۰ متری بالا رفتیم. طبق قرار قبلی راه بازگشت را در پیش گرفتیم و در ساعت یک بعد از ظهر در کنار چشمه پیش گفته شده در ارتفاع ۳۵۵۰ متری نهار را خوردیم و به فرود ادامه دادیم. فرود همراه با سر خوردن از روی یخچال‌های طولانی مسیر لذت‌بخش بود. آخرین نفرات گروه ساعت شش عصر به پایین رسیدند و پس از استراحت در کنار آب سرد و گوارای تونل دوم کوه‌رنگ به سمت اهواز حرکت کردیم. با اصرار زیاد به راننده توانستیم او را تا فارس‌ان وادار به حرکت کنیم

(چون حاضر نبود در شب حرکت کند). شب را در پارکی در فارس‌ان گذرانیدیم و صبح جمعه به راه اهواز ادامه دادیم و ساعت ۸ بعد از ظهر به اهواز رسیدیم. نکته جالب این برنامه هماهنگی و هم‌توانی شرکت‌کنندگان و همت‌والای آن‌ها بود که با وجود سختی و طولانی‌بودن مسیر و مشکلات پیش آمده با پشتکار مثال‌زدنی خود و حرکتی بی‌وسسته و با کم‌ترین استراحت در مسیر به سمت هدف پیش رفتند و من به نوبه خود از یکایک آنان سپاسگزاری می‌کنم. شرکت کنندگان در این برنامه به ترتیب حروف الفبا عبارت بودند از:  
 علیرضا احمدی، حسین اسعدی، امیر افشاری، مهدی حریری، اوژند داراب پور، محمدرضا ساکین، مهدی فضلعلی، بیژن قنبری، علی قنبری، سیاوش معینی، محمدرضا نبی زاده، ایمان نوین.

